



گفتاری از آیت الله جوادی آملی؛ جایگاه حقیقی انسان مؤمن از منظر امام موسی کاظم (ع)

بالا بودن مقام مؤمن این است که او نزدیک انبیا و ائمه (ع) بسیاری از فضایل و معارف و علوم را می‌تواند یاد بگیرد و عمل بکند

بالا بودن مقام مؤمن این است که او نزدیک انبیا و ائمه (ع) بسیاری از فضایل و معارف و علوم را می‌تواند یاد بگیرد و عمل بکند.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر گفتاری از آیت الله جوادی آملی در جلسه درس اخلاق است که از نظر می‌گذرد.

سالروز میلاد سراسر نور امام کاظم (ع) فرصت مناسبی است تا بتوان به معارف بلند و حکیمانه دین در پرتو فرمایشات گهربار آن بزرگوار دست یافته و بعنوان یک الگوی اسلامی و دینی بهره برد. آن حضرت در ضمن مقابله با حاکمان جور زمان خود، حوزه‌های علمیه قوی و غنی تشکیل داد، طلاب مستعد را شناسایی کرد و شاگردان فراوانی تربیت کرد که عده زیادی از آنها جزء روات از احادیث و جزء علمای بزرگوار و جزء محدثین و مفسران شدند که یکی از آن شاگردان بنام، هشام بن حکم است.

آیت الله جوادی آملی در سخنانی به جایگاه رفیع مؤمنان از منظر امام کاظم (ع) اشاره کرده و گفت: وجود مبارک امام هفتم (ع)، مقام مؤمن را خیلی بالا می‌داند. بالا بودن مقام مؤمن تنها به این نیست که در آخرت درجات او زیاد است بلکه بالا بودن مقام مؤمن این است که او نزدیک انبیا و ائمه (ع) بسیاری از فضایل و معارف و علوم را می‌تواند یاد بگیرد و عمل بکند و منتشر بکند (این سرمایه در انسان هست). اگر کسی این سرمایه را شناخت، خود را ارزان نمی‌فروشد؛ هرگز نمی‌گوید من حالا که مدرس شدم یا درس سطح می‌گویم یا درس خارج می‌گویم همین مقدار بس است. در تعبیرات دینی ما آمده است: اولین روز جهل یک حوزوی یا دانشگاهی آن وقتی است که بگوید من فارغ التحصیل شدم؛ خب حیف نیست که آدم به دنبال نخود سیاه برود و خودش را ارزان بفروشد بگوید من حالا امام جمعه یا جماعت شدم؟! اگر انسان می‌تواند به جایی برسد که نزدیک امام معصوم قرار بگیرد چرا خود را مفت بفروشد؟!

امام کاظم (ع) به هشام می‌فرماید: «یا هشام لا تجتمع هذه الخصال الا لنبی أو وصی أو مؤمن امتحن الله قلبه للايمان»؛ وقتی معارف عقلی را مطرح می‌کند می‌فرماید این معارف بلند و این فضایل فراوان، از آن انبیا و ائمه است و از آن مؤمنی است که در آزمون الهی قلبش پیروز شد (نه زبانش). بنابراین این مقام برای ما هست، اگر این راه باز است چرا خود را ارزان بفروشیم؟! خب خسارت که دیگر حقیقت شرعیه ندارد، همین است که آدم یک کالای گران داشته باشد و این کالا را به مرجعیت بفروشد یا به پیش‌نمازی بفروشد! فرمود: «الا لنبی أو وصی أو مؤمن امتحن الله قلبه للايمان و اما سائر ذلك من المومنین فان احدهم لا یخلو من ان یكون فیه بعض هذه الجنود»؛ افراد عادی مقداری از این فضایل عقلی را فراهم می‌کنند ولی آن مؤمنان وارسته، در ردیف اولیای الهی‌اند (این اصل اول). بنابراین ما می‌توانیم و این سرمایه را داریم که یک انسان ابدی باشیم.

معظم له همچنین با اشاره به آیاتی از سوره مبارکه «زمر» به فرمایشاتی از امام کاظم (ع) اشاره داشت: وجود مبارک امام هفتم (ع) مطابق آیه سوره «زمر» فرمود خداوند هم مجاری ادراکی به ما داد که مطالعه کنیم و گوش بدهیم (یک) هم تصفیه‌خانه به ما داد به عنوان درون تا پژوهش و تحقیق کنیم تا این چیزی که شنیدیم و آنچه خواندیم کدامش حق است و کدامش حق نیست (دو) و هم قدرت انتخاب به ما داد که بعد از ارزیابی وقتی فهمیدیم چه چیز حق است آن را بپذیریم (سه)، بعد قدرت عمل به ما داد (چهار)، بعد قدرت نشر و تبلیغ به ما داد (پنج) که در همه این مقاطع پنج‌گانه ما پیروز می‌شویم. خداوند اهل عقل و فهم را در کتاب خودش بشارت داد و این‌چنین فرمود: *فَبَشِّرْ عِبَادَ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ* «قول» یعنی مکتب یعنی آراء یعنی مطالب علمی - مکاتب گوناگون آراء گوناگون را می‌شنود خوب گوش می‌دهد و میزان هم دارد تا ارزیابی کند چه صدق است چه کذب چه حق است چه باطل چه خیر است چه شر چه حسن است و چه قبیح، بعد انتخاب هم می‌کند.